

## مرز و تشکیل

### دولت در جهان معاصر

فرانسه و مرزهای بین‌المللی آن را در طی چهار قرن یعنی قرون ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ به نگارش درآورده است. نویسنده سپس به

اندیشه‌های سیاسی که در شکل‌گیری دولت‌های جدید و مرزهای بین‌المللی مؤثر بوده می‌پردازد و در این زمینه از ژان بدن به دلیل طرح مسئله حاکمیت و انقلاب فرانسه به علت طرح مسئله ناسیونالیسم و همچنین از نظریه پردازان ژئوپولیتیک مانند هالفور مکیندر و هاوز هوفر نام می‌برد.

فصل دوم کتاب درباره مناطق خودمختار و مستقل از نظر داخلی در اروپا است. در این فصل نویسنده ابتدا به فلسفه هابز و لاک از فیلسوفان سیاسی قرن هفدهم

Malcolm Anderson, *Frontiers* :

*Territory and State Formation in the Modern World*, Cambridge: Polity Press / 1996, 255 pages.

کتاب شامل یک مقدمه و هفت فصل است. فصل اول درباره زمینه‌های تاریخی و تئوریک مرزهای بین‌المللی است. نویسنده در ادامه این فصل درباره تحولات مرزها در دوره امپراطوری روم، قرون وسطی، قرون معاصر و ظهور دولتهای جدید سخن می‌گوید. وی چگونگی شکل‌گیری دولت

و هیجدهم که به پیدایش اندیشه خودمختاری کمک کرده اند، اشاره می کند و می نویسد که به عقیده این دو نفر جوامع و دولت ها براساس انعقاد قرارداد اجتماعی و برطبق حقوق طبیعی شکل می گیرند. وی سپس به اصول خودمختاری ویلسون رئیس جمهور آمریکا در آغاز جنگ جهانی اول اشاره می کند و از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه که خودمختاری را به عنوان یک حق سیاسی به رسمیت شناخت نام می برد. مالکم آندرسون نویسنده کتاب سپس به شرح مناطق خودمختار در اروپا مانند تیرول جنوبی (بین ایتالیا و اتریش) کانتون جورا (در سوئیس) و ایرلند می پردازد. در این فصل نویسنده همچنین از آخرین تغییر و تحولات جدید در مرزهای اروپای مرکزی و شرقی سخن می گوید و چگونگی وحدت دو آلمان، تجزیه یوگسلاوی به شش کشور مستقل، فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای مستقل، تقسیم چکسلواکی به دو کشور چک و اسلواک را مورد بررسی قرار می دهد. مرزهای آلمان از ۱۹۳۷ تا ۱۹۹۰ چهار بار تغییر کرده است. درباره این تغییر و تحولات چهار نقشه از مرزهای این

کشور در کتاب ترسیم شده است. آندرسون در فصل سوم کتاب اختلافات مرزی در آسیا و آفریقا را بررسی می کند. به نظر وی علل اختلافات مرزی در کشورهای آسیا و آفریقا عبارتند از: سیاست های استعمار، ضعف برخی از دولت ها برای حفظ سرزمین خود و مبارزه برای تصرف منابع. مرزهای کشورهای آفریقایی به وسیله استعمار تعیین شده است و در تعیین مرزها ویژگی های جغرافیایی، نژادی، مذهبی و فرهنگی در نظر گرفته نشده است بر این اساس خطوط مرزی در شمال آفریقا خطوط مستقیم هستند. در این فصل اختلافات مرزی بین لیبی و چاد درباره نوار آزو، مصر و سودان درباره وادی حلفا و حلاب، مغرب، موریتانی و اسپانیا درباره صحرای غربی، سومالی و اتیوپی درباره اوگان، اتیوپی و اریتره و استقلال کشور اخیر، مورد بررسی قرار گرفته است. در مورد کشورهای آسیایی نیز اختلافات مرزی روسیه با چین، هند با چین، ژاپن با روسیه، چین با ویتنام، هند با پاکستان، عراق با ایران، عراق با کویت و اعراب و اسرائیل مورد مطالعه قرار گرفته است.

در فصل چهارم نویسنده ماهیت و کارکرد مرزها را مورد بررسی قرار می دهد و بحث اصلی وی این است که تمایز روشنی بین مرزهای بین المللی و مرزهای داخلی کشورهای اروپایی دیده می شود. به نظر وی در مورد اخیر مرزها در حال از بین رفتن هستند. آندرسون با بررسی سوانق وحدت اروپا به معاهده رم در ۱۹۵۸، قانون اروپای واحد و عهدنامه ماستریخت اشاره می کند که به موجب آنها حاکمیت دولت های اروپایی تضعیف شده است. این مسئله به تدریج روی مرزهای اتحادیه اروپایی با کشورهای همسایه آن نیز اثر می گذارد، کشورهایی که تقاضای پیوستن به اتحادیه را کرده اند مانند سوئیس، اسلوانی، لهستان، مجارستان و یا مانند اتریش که اخیراً به عضویت آن در آمده اند.

فصل پنجم کتاب اختصاص به مرزها و مهاجرت دارد. به نظر نویسنده مهاجرت یک پدیده جهانی است. خصومت ها و تبعیض هایی که نسبت به برخی از افراد در یک سرزمین صورت می گیرد سبب مهاجرت آنها به سرزمین دیگری می شود. مرزها برای جلوگیری از این پدیده ایجاد شده اند. البته

هدف از ایجاد مرزها تنها این نبوده، بلکه مقاصد دیگری نیز مانند دریافت عوارض گمرکی از کالاها، جلوگیری از انتقال آزاد اندیشه ها و دفاع نظامی در پیدایش آنها موثر بوده است. این اهداف هنوز وجود دارد ولی با صنعتی شدن کشورها و جهانی شدن اقتصاد به تدریج اهمیت خود را از دست می دهند.

به نظر نویسنده مهاجرت در طول تاریخ انسانی همواره وجود داشته است، اما در حال حاضر در کشورهای پیشرفته صنعتی این عقیده وجود دارد که به منظور حفظ حقوق شهروندان خود، سطح زندگی و رفاه آنها، دسترسی به منابع و امکانات و حفظ ویژگی های فرهنگی و نظام های حکومتی، باید پدیده مهاجرت کنترل و حتی محدود شود. کشورهای صنعتی از نظر فنی توانایی جلوگیری از مهاجرت به کشورهای خود را دارند ولی به دلایل مختلف از این کار خودداری می کنند.

در کشورهای در حال توسعه کنترل مرزها نمی تواند به راحتی صورت گیرد. به اعتقاد نویسنده در این کشورها پرسنل آموزش دیده، تجهیزات کافی و تسهیلات

معاهدات و کنوانسیون‌هایی مفهوم حاکمیت سرزمینی را بی اعتبار کرده است. رژیم‌های حقوقی بین‌المللی که در این مناطق برقرار شده، به این مفهوم است که این مناطق به هیچ کس تعلق ندارد و در عین حال به همه تعلق دارد. در حالی که هیچ کس در این مناطق مسئول نیست، همه در مقابل آن مسئولیت دارند. نویسندگان مفهوم میراث مشترک بشریت را در مورد این مناطق به کار می‌برد، که بیانگر نوعی رژیم حقوقی بین‌المللی است.

نویسندگان آنگاه مسئله اقیانوس‌ها، مرزها در دریاها و اقیانوس‌ها، اختلاف مربوط به رودخانه‌ها، خلیج‌ها و خورها، مسئله مرزها در جو، فضای ماوراء جو و تجاوز به سرزمین‌های دیگر و رژیم‌های بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست را مورد بررسی قرار می‌دهد.

آندرسون نتیجه می‌گیرد که فعالیت‌هایی که در مناطق و فضاها غیر مسکونی در اثر پیشرفت‌های فنی صورت گرفته، مسائلی را در ارتباط با حاکمیت سرزمینی دولت‌ها مطرح کرده است. نشانه‌ها حاکی از آن است که به جای رفتار

حمل و نقل برای گاردهای مرزی وجود ندارد. بسیاری از این مرزها بین مردمی که از یک نژاد هستند جدایی افکنده‌اند. برخی از این مرزها در روی زمین علامت‌گذاری نشده‌اند. مسائل اقتصادی مانند امکان دستیابی به درآمد بیشتر، شغل مناسب و قاچاق کالا، سبب عبور از مرزها و مهاجرت می‌شود. در این فصل نویسنده، درباره کنترل‌های مربوط به ورود و خروج جمعیت، ممانی آزادی مهاجرت، ویژگی مهاجرت‌های بین‌المللی، دولت‌های مهاجر پذیر و مخالف مهاجرت و مسئله پناهندگان و مهاجران را در کشورهای اروپایی، خاورمیانه و اروپای شرقی مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل ششم کتاب درباره مناطق و فضاهای غیر مسکونی و مسئله همکاری‌های بین‌المللی در این مناطق است. به نظر آندرسون مناطق غیر مسکونی و فعالیت‌هایی که در آنها انجام می‌شود به دو صورت بر مرزها تأثیر می‌گذارد. نخست استفاده از این مناطق سبب بروز منازعات متعددی بین دولت‌ها شده و این خود موجب انعقاد معاهدات و کنوانسیون‌های مختلفی درباره این مناطق شده و دوم این که چنین

انفرادی دولت‌ها در این مناطق، نوعی اقدام مشترک به وسیله آنها مورد قبول واقع شده است. بنابراین در این مناطق نوعی رژیم حقوقی بین‌المللی برقرار می‌باشد. فصل پایانی کتاب تحت عنوان «نتیجه‌گیری: اتحادیه اروپا و آینده مرزها» می‌باشد. در این فصل مرزهای داخلی اتحادیه اروپا و مرزهای آن با کشورهای همسایه مورد بررسی قرار گرفته است. اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵ گسترش یافت و اتریش و کشورهای اسکاندیناوی به عضویت آن درآمدند. با فروپاشی شوروی، کشورهای اروپای شرقی تقاضای عضویت در اتحادیه را کرده‌اند و احتمالاً در آغاز قرن بیست و یکم چهار کشور لهستان، جمهوری چک، اسلواک و مجارستان به اتحادیه ملحق خواهند شد. این مسئله تغییراتی را در مرزهای قاره اروپا به وجود خواهد آورد.

مرزهای یونان نیز تهدیدی برای همبستگی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود.

یونان با کشورهای همسایه خود اختلافات مرزی دارد. این اختلافات ریشه‌های فرهنگی، نژادی و ایدئولوژیکی دارد. مرزهای شمالی یونان که

در سال ۲۳-۱۹۱۳ تعیین شده، اکنون مشکلاتی را به وجود آورده است. روابط یونان در حال حاضر با کشورهای آلبانی، مقدونیه و ترکیه به علت اختلافات مرزی با تنش روبرو است. ایجاد جمهوری ترک در شمال قبرس نیز در سال ۱۹۷۴ اختلافات یونان و ترکیه را تشدید کرده است.

نتیجه‌گیری مؤلف این است که هدف از ایجاد مرزها، اعمال حاکمیت دولت‌ها بر مناطق تحت کنترل خود و مردم ساکن در این مناطق بوده است. اما با تحولاتی که در اروپا صورت گرفته، مسئله حاکمیت دولت‌ها بر مناطق تحت کنترل خود تضعیف شده است، بنابراین مفهوم سنتی مرزها نیز با تحولات جدید دگرگون گردیده است.

نویسنده همچنین تأثیرات تحولات جدید جهانی از جمله جهانی شدن را بر مرزها مورد بررسی قرار داده است. وی می‌نویسد که جهانی شدن صنعت، تجارت، امور مالی، علوم، مشاغل و فعالیت‌های ورزشی به این معنی است که مرزهای مختلفی برای مقاصد مختلف ممکن است وجود داشته باشد. به عبارت دیگر مفهوم مرز تغییر کرده و یک مرز به چند مرز و از یک خط

## تفکر یونانی، فرهنگ عربی

Dimitri Gutas, *Greek Thought. Arabic Culture*, Routledge, First Publications. 1998, 230, pages.

موضوع انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، بیشتر مورد توجه پژوهشگران مطالعات اسلامی است. در باب این موضوع کتابها و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است که یکی از آنها، به نام «انتقال علوم یونانی به عالم اسلام» از اولیسی دلیری به فارسی نیز ترجمه شده است (۲۵۳۵). در بین کتابها و مقالات پردازنده به موضوع انتقال، اثر «گوتاس» اهمیت خاصی دارد. این اثر نه تنها نسبت به آثار پیشین روز آمد است که به خاطر توجه خاص به وضعیت ایرانیان در انتقال علوم و اهمیت زردشتیگری و امپراطوری ساسانیان در توجیه و عملکرد انتقال، اهمیت بسیار دارد. عراق نیست اگر گفته شود کتاب گوتاس، سه ضلع یونان و آشنایان به علوم یونانی، اعراب و ایرانیان را در چگونگی انتقال علوم، با موفقیت به هم مرتبط ساخته است. کتاب از یک مقدمه، یک پی گفتار و دو بخش کلی که به ترتیب شامل

به یک منطقه، از فیزیکی به فرهنگی و از فضایی به کارکردی و از نفوذ ناپذیر به نفوذپذیر تبدیل شده است. به نظر نویسنده مرزها تنها خطوط ساده ای بر روی نقشه نیستند و از نظر تحولاتی که صورت می گیرد جدا نمی باشند. تحولات و تغییرات مرزها مسائلی مانند تابعیت، هویت، وفاداری سیاسی و پایان عمر برخی دولت ها را مطرح می کند. در خاتمه باید اشاره کرد که مالکم آندرسون نویسنده کتاب استاد علوم سیاسی و رئیس مؤسسه بین المللی علوم اجتماعی در دانشگاه ادینبورگ انگلستان است.

دکتر اصغر جعفری ولدانی  
استاد دانشگاه و محقق مسایل خاور میانه